



## رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رنالیسم تهاجمی

نادر مولائیان<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله براساس شرایط امنیتی خلیج فارس و ارائه راهکارهایی جهت ثبات و امنیت در این منطقه حساس بین‌المللی تهیه و تنظیم شده است. امنیت پایدار در این منطقه ژئواستراتژیک، ژئوکالچرال و ژئوپلتیک از جهان به دلیل مسیر عبور انرژی و تخمین بیش از ۹۰٪ از انرژیهای فسیلی (در سال ۲۰۳۰) از اهمیت بالایی برخوردار است. جغرافیای خلیج فارس که با تنگه هرمز از دریای عمان جدا میشوند، تشکیل میشود از کشورهای: ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و قطر که از لحاظ اقتصادی و تولید انرژی‌های فسیلی برای جهان مهم و حیاتی است. خروج بریتانیا از این منطقه و جایگزین شدن ایالات متحده در سال ۱۹۷۰ م، این منطقه از خاورمیانه را دچار فراز و فرودهای بسیاری کرده است. آمریکا در این سال از دو کشور ایران و عربستان به عنوان دو ستون امنیت منطقه‌ای برای کم کردن تنش بین دو کشور و سدی در برابر کمونیسم در طرحی به نام دکترین نیکسون - کسینجر (امنیت دو ستونی) استفاده کرد.

واژگان کلیدی: منافع ملی، موازنه منطقه‌ای، جغرافیای منطقه‌ای، قدرتهای فرامنطقه‌ای خاورمیانه، هویت، تضاد، خلیج فارس، ایران، عربستان سعودی

<sup>۱</sup> - دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل nadermolaian81@gmail.com

مقدمه

ثبات امنیتی در یک منطقه ژئوپلیتیکی از دو مولفه (درون زا) و (برون زا) ناشی می‌شود. این دو مولفه از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. امنیت در خ ف نیز متأثر از این دو مولفه است. عامل درونی را ساختار نظام‌های سیاسی تشکیل می‌شوند و عامل‌های برون‌زا هم توسط دولت‌های قدرتمند فرا منطقه‌ای تشکیل می‌شود. تأثیرات این عوامل (برون‌زا و درون‌زا) توسط دولت‌های داخل منطقه و خارج از منطقه، روابط سیاسی نظام‌های منطقه‌ای هم تأثیرات منفی بگذارد. تهدیدات منطقه‌ای می‌تواند در شرایطی که در دیپلماسی بسته شود به جنگ نیز در منطقه ختم شود. تضاد در هویت هر یک از نظام‌های سیاسی منطقه و شرایط اجتماعی نظام‌ها که از هم متضاد باشند، در کنار اختلافات بنیادین دولت‌های منطقه‌ای در مولفه‌های ایدئولوژیکی، فضای ناامنی را بر ثبات منطقه حکم فرما کند و خ ف که یکی از شاهراه‌های حیاتی قربان در مسیر کشتیرانی می‌باشد را با بحران مواجه کند.

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۳)، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه گذشته، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر.

موضوع راجع به روابط ایران و عربستان سعودی و روابط دو کشور که باعث تنش و تضاد و ناامنی در خلیج فارس شده است عربستان سعودی بعد از انقلاب اسلامی ایران و جنگ‌های خلیج فارس به هر طریق که شده برای امنیت این منطقه و امنیت عبور و مرور کشتیرانی در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی پای بیگانگان را به این منطقه باز کرده و تنشها را بالا برده است.

فرجی راد، عبدالرضا و هاشمی، سید مصطفی، (۱۳۹۴)، دیدگاه‌ها و منافع امنیتی متعارض بازیگران خلیج فارس بر فضای امنیتی منطقه، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۲.

منافع مختلف دولت‌های خلیج فارس و سیاست خارجی آنها در منطقه و خاورمیانه و ارتباط اعراب منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نقش این دولت‌ها بر امنیت خلیج فارس بررسی می‌شود.

جعفری ولدادی، اصغر، (۱۳۹۵)، ژئوپلتیک سرزمین های دریایی در خلیج فارس، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی. فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول، ص ص ۱۰۹-۸۹. تعیین مرزها و اختلافات کشورها در زمینه بستر و زیربستر خلیج فارس و تعیین مرزهایشان می پردازد و اختلافات بین کشورها در مورد منافع مشترک و مناطق استراتژیک می پردازد.

#### بیان مساله

مشکلات امنیتی در خلیج فارس که دو بازیگر عمده ایران و عربستان از کشورهای تاثیرگذار در این منطقه هستند، با تنش و تضاد و در روابطشان در فضای امنیتی این منطقه حساس از خاورمیانه تاثیر مستقیم دارند پس از جنگهای خلیج فارس و انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ م روابط این دو کشور که ستون های امنیتی در دکتترین نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا را تشکیل میدادند و با تعامل در روابط، امنیت خلیج فارس را یک دهه (۱۹۷۰م) تامین کردند، رو به تنش و تضاد گذاشت. این دو کشور با وجود اختلافات ایدئولوژیک و هویت در دکتترین نیکسون، سدی را در برابر کمونیسم ساخته بودند (با هدایت ایالات متحده آمریکا) و فضای امنیتی خلیج فارس را بطور نسبی مثبت کرده بودند روش پژوهش در این تحقیق، پژوهشی، اینترنتی، کتابخانه ای، لوح فشرده و مصاحبه با صاحب نظران میباشد و با توصیف به تحلیل در پژوهش می پردازد زیرا میتوان با تحلیل مقالات به روز از اینترنت، پژوهشی ارائه کرد که دانشجویان در سالهای آینده بتوانند از آن استفاده کنند. در سیاست خارجی ایران حضور قدرتهای فرا منطقه ای وجود ندارد، با حضور اسرائیل و ایالات متحده آینده ای مبهم را میتوان برای این منطقه متصور شد در نظریه رئالیسم تهاجمی، معمای امنیت را در افزایش قدرت کشورها در جغرافیای خلیج فارس را میتوان تصور کرد. کشورهای عرب منطقه که در سیاست خارجی آنها حضور قدرتهای فرامنطقه ای وجود دارد، با وجود درگیری های عراق، خواستار حفظ وضع موجود هستند. قرارداد اسرائیل با امارات و بحرین، توازن قدرت را در آینده برای این منطقه حساس از جهان مبهم میکند و میتواند خلیج فارس را با جنگ سوم روبرو کند. هدف غایی دو دولت قدرتمند ایران و عربستان در خلیج فارس، هژمونی منطقه است. که با وجود دو دولت قدرتمند آمریکا و اسرائیل در منطقه سرابی بیش نیست. اگر کشورهای منطقه هوشیار نباشند و هر کشوری به فکر خودش باشد و به امنیت منطقه توجهی نکند، آینده این منطقه از آن قدرت های فرامنطقه ای خواهد بود. اسرائیل که امنیت بی پایان برای خود متصور

رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رئالیسم  
تهاجمی / مولائیان

است، میتواند با پشتوانه آمریکا به اهدافش برسد. ایران باید با هوشیاری و رفع تنش با اعراب موازنه را به سود خود تغییر دهد.

ظهور داعش، القاعده، طالبان جبهه النصره و ... که مورد حمایت نامحسوس و محسوس برخی از کشورهای عربی هستند و از نظر اقتصادی، نظامی از حمایت اعراب وهنابی سلفی منطقه استفاده میکنند واقعه؟ و بهار عربی، که اولی توسط اعضای القاعده به وقوع پیوست و مسیر سیاست خارجی جهان را تغییر داد تبعه عربستان سعودی هستند که یکی از دو بازیگر مهم خلیج فارس هستند و با ایران بر فضای امنیتی منطقه بیشترین تأثیر را دارد. هدف دیگرم از ارائه این تحقیق مقایسه سیاست خارجی ایران در قبل از جنگهای خلیج فارس و انقلاب اسلامی ایران که حضور قدرت های فرامنطقه‌ای بخشی از سیاست خارجی ایران بوده عربستان هم با ایران در این زمینه مشکلی نداشت این دو کشور با وجود اختلافات و موانع بنیادین در تاریخ روابطشان، توانستند زمانی که دو ستون امنیتی خلیج فارس را تشکیل میدادند، تأثیر مثبتی را بر فضای امنیتی خلیج فارس بگذارند و تعامل را به جای تضاد در روابط خود حاکم کرده بودند.

اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک، هویت و دیگر مشکلات ایران و عربستان باعث حضور اسرائیل در این منطقه شده و ایالات متحده اول اسرائیل است در منطقه خلیج فارس از این کشور حمایت تسلیحاتی سیاسی میکند.

درگیری های عراق، جنگ یمن (که بی دلیل ایران وارد آن شد) مشکلات سوریه ( که بدون دلیل موجه ایرانیان کشته شدند و در این جنگ حضور پیدا کردند) تنش و درگیری ایران و عربستان را افزایش داده است. حمله به عربستان که بعد از واقعه منا در عربستان و اعدام روحانی شیعه عربستانی به وقوع پیوست این تضاد را بسیار افزایش داد و فضای امنیتی منطقه را تا حد بسیاری منفی کرد.

این پژوهش روابط ایران و عربستان در دهه های ۷۰ و ۸۰ م، را مقایسه میکند. عربستان سعودی با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را به نفع خود در منطقه تغییر داد و با تصویب توافقنامه

های سیاسی علیه کشورمان لطمات جبران ناپذیری را به ایران وارد کرده است که امروزه ایرانیان با پوست و گوشت خود احساس میکنند.

تنش و تضاد در دو کشور ایران و عربستان در خلیج فارس و رهبری اعراب منطقه توسط عربستان تنش و ناامنی را بالا برده است ایران باید با درایت و دوراندیشی روابط خود با عربستان را بهبود بخشد.

مسئله بسیار مهم برای ایران آمریکا و غرب است که ایران تا تنش خود را با غرب و آمریکا کم نکند و از بین نبرد، چین میتواند از ایران استفاده مطلوبی را جهت منافع اقتصادی خود داشته باشد؟ که این مسئله به هیچ وجه منافع ملی ایران را تامین نمیکند.

اهمیت و ضرورت

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق شامل، اختلاف نظرها و خلاء های تحقیقاتی موجود، میزان نیاز به موضوع، فواید احتمالی نظری و عملی آن و همچنین مواد، روش و یا فرایند تحقیقی، احتمالاً جدیدی که در این تحقیق مورد استفاده قرار میگیرد. بطور یقین کشورمان از بازیگران قدرتمند در خلیج فارس می باشد که در طول تاریخ نام آور است و حتی پهنه آبی خلیج فارس از نام کشورمان در گذشته (پارس) وام گرفته است.

به علت قرار گرفتن اعراب خلیج فارس در کنار ایران، اختلافات هویتی، ایدئولوژیکی بسیاری را به بار آورده است تنش در این منطقه به این علت ها و علل دیگری که در طول رساله ذکر خواهد شد را بالا برده است. کشورهای کوچک منطقه به علت ضعف ساختاری از نیروهای فرامنطقه ای استفاده میکنند، که با آرمان های ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م، سازگار نیست. حضور این نیروها در سیاست خارجی ایران نقشی ندارد و این یکی از عللی است که بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م، بر تضادهای ایران و اعراب منطقه اضافه کرده است. این پژوهش به چگونگی و تاریخ این تضادها میپردازد که چگونه بر روابط بازیگران منطقه ای موثر است.

چگونگی ارائه راه حل های پایین آوردن تنشها و بالا بردن آمار در روابط دوستی بین کشورهای منطقه که صلح و آرامش را به بار میآورد در این پژوهش بررسی میشود.

به علاوه این پژوهش بررسی میکند که چگونه میشود با وجود هویت و ایدئولوژی متضاد در بین کشورهای منطقه آرامش و صلح را در منطقه حاکم کرد.

چرخش در روابط بین کشورها پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م، جنگ‌های خلیج فارس، حوادث بهار عربی، ظهور القاعده، داعش، النصره و ... در خاور پهناور و خلیج فارس چه مشکلاتی را برای منطقه به بار آورده است.

قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

بازیگران اصلی که قابلیت رقابت در یک منطقه ژئوپلیتیکی را دارند، قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای محسوب می‌شوند. تفاوت میان این دو در این است که قدرت‌های منطقه‌ای، خود در منطقه حضور دارند و بطور موثر بر روند مسائل ژئوپلیتیکی و سیاسی منطقه اثر می‌گذارند، اما قدرتهای فرا منطقه‌ای، قدرت‌هایی هستند که در خارج از محیط ژئوپلیتیکی قرار دارند، اما به دلیل اختلاط منافع آن‌ها با منطقه ژئوپلیتیکی، باعث تقویت منطقه می‌شوند، غالباً قدرت‌های جهانی، نقش قدرت‌های فرا منطقه‌ای را بازی می‌کنند. (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۷۰)

مولفه‌های امنیتی حاکم بر منطقه ژئوپلیتیکی:

امنیت به آرامش، قرار و تعادل عناصر ساختاریک سیستم مربوط می‌شود و نا امنی و بی‌ثباتی امنیت زمانی حاصل می‌شود که در تعادل سیستم خللی پدید آید و در روند دما خصوصاً به روند تامین نیازها رادچار اختلال کند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵) امنیت در بعد کلان شامل سه بخش ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی است، که شامل وجوه مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، ارتباطی و روانی و ... می‌شود. این بخش بندی‌ها قابلیت تاثیر بر یکدیگر را دارند و از یکدیگر ناشی می‌شوند. ارزش‌های ملی کشورهایی که در یک نظام منطقه‌ای با همدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند، مبین تامین امنیت حاکم بر آن منطقه است. هرگونه تغییر یا تحریف در ارزش‌های سیاسی حوزه منطقه جغرافیایی بر امنیت آن منطقه تاثیر خواهد داشت. امنیت یک منطقه جغرافیایی، متاثر از عوامل بیرونی و درونی است. سیاست و ؟ منطقه، متضمن برقراری امنیت منطقه خواهد بود. عوامل درون شامل نظام‌های سیاسی، سطح دموکراتی، وزن ژئوپلیتیک، نقش تحلیل‌های؟، قبیل‌های، گروه‌های

مذهبی، گروه های اپوزسیون، منافع اقتصادی، منافشات ارضی و مرزی و توان نظامی هستند. در حالی که از عوامل بیرونی موثر بر تامین امنیت یک منطقه ژئوپلیتیکی، نفوذ قدرت های بین المللی، سیاست های شورای امنیت، نفوذ و غرق منافی در منطقه هستند را می توان نام برد. در روابط دولت های منطقه و تاثیراتی که امنیت منطقه تاثیر دارد.

تامین امنیت ملی با نگرش تسلیحاتی

درگیری های تاریخی به ویژه از جنگ جهانی اول به این سو باعث شده تا دولت ها، امنیت خود را در سایه گسترش تسلیحات نظامی و معمای امنیتی قدرت های بازیگر منطقه ای جستجو کنند. ساختار حاکم بر ژئوپلیتیک باعث شده تا هر یک از دولت های منطقه، فعالیت دیگر دولت ها را با سوظن نگاه کنند. هر مانور نظامی، با وجود پیام دوستی از سوی برگزارکنندگان مانور به دولت های همسایه منطقه ای، با این وجود، کشورهای دیگر با دیده تردید و تهدید به آن می نگرند. تمرکز دولت های این منطقه بر سیاست های دفاعی و نظامی، از مولفه های دستیابی به امنیت ملی تلقی می شود. (Martin, 2002)

درگیری های قومی\_فرقه ای در خلیج فارس

گروه های قومی -فرقه ای، مشروعیت دولت ها را زیر سوال می برند، حکام دولت های خ ف، گروه های قومی و فرقه ای را در سیاست های داخلی و بین المللی با بازیگران تاثیرگذار تصویر می کنند (Bennett, 1996) از جمله گروه های قومی و فرقه ای در خ ف:

شیعیان عرب، اعراب سنی، کردها، شیعیان فارس، اسماعیلیه، زیدیه، حنفلی ها، شافعی ها، سلفی ها و وهابی ها در خ ف حضور دارند (واعظی، ۱۳۸۷). این قومیت ها امنیت ملی کشور متبوع خود و امنیت منطقه را تحت تاثیر قرار می دهد

مناقشات ارضی و مرزی

مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی با یک کشور از واحدهای مجاور آن است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۹) مرزهای ملی بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می سازد و جنبه سیاسی پیدا می کند (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۴۰) مرز را می شود پدیده ای فضایی اطلاق کرد که منعکس کنند و قلمرو حاکمیت سیاسی یک

دولت است. (دراسیدل، ۱۳۷۴: ۵۵). با این تغییر و تحول در مرزهای ژئوپلیتیکی مناطق جغرافیایی گهگاه به نزاع می‌انجامد (هاکت و گودرزی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۷۰). هستی کشورها در معرض موقعیت دائم فشار و تنش بین دولت‌ها قرار دارد. تعیین حدود و ثغور مرزهای سیاسی برای اعمال حاکمیت امری ضروری است، با این حال علایق جداگانه هرکشور و تعقیب آن‌ها از سوی کشورها در صورت متعارض با کشورهای هم‌مرز تبدیل به نزاع و دیگری می‌شود. (هاکت و گودرزی، همان). در سال ۱۹۷۱ ۳ بحرین از ایران جدا شده و حاکمیت مستقل پیدا کرده است. قومیت‌های دو سوی مرز در طول زمان می‌تواند باعث بحران دو حاکمیت شود و نزاع و درگیری در منطقه بوجود آورد زیرا قومی با تسلط بر منطقه استراتژیکی قصد تسلط بر منطقه وسیع تری را وارد و این می‌تواند موجب ضرر منطقه هم‌جوار شود، منطقه‌ای که در سال‌های نه‌چندان دور با هم منطقه وسیع تری را تشکیل می‌داند. (الهی، ۱۳۶۹: ۲۶)

یکی از قدرت‌های فرا منطقه‌ای، بنام بریتانیا که تا سال ۱۹۶۹ بصورت موثر در خ ف حضور داشته است، جهت منافع کشور خود و با گذشت دولت شاهنشاهی ایران در دوره زمام‌داری پهلوی دوم این منطقه استراتژیکی در خ ف را از ایران جدا کرد، که در یاد ایرانیان کماکان باقی است. ایران در سال ۱۹۷۱ م با یک افراندوم فرمایشی بحرین را در ازای سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک از ایران جدا کرد (Dehghani همان).

تحلیل چرایی نکامی کشورهای عربی خلیج فارس و ایران در حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی

اگرچه کشورهای خ ف در دهه‌های گذشته با وجود جنگ‌های مختلف بزرگ و کوچک در این منطقه و حوادث پیش‌آمده مانند جنگ‌های منطقه خ ف، انقلاب اسلامی ایران، ۱۱۶؟، بهار عربی و ظهور داعش و بنیادگرایان اسلامی در منطقه، گام‌هایی را برای پایان بخشیدن اختلافات ارضی و مرزی برداشته‌اند، اما این اقدامات



بطور کامل موثر نبوده و ویژگی های و اثرات این اختلافات در منطقه کماکان باقی است. این واقعیت معمول عوامل چندی، از جمله تحمیلی بودن مرزها، کشف نفت و منابع نفتی، موقعیت استراتژیک برخی از مناطق با جزایر و تمایلات توسعه طلبانه برخی از دولت های منطقه در قبال یکدیگر می باشد.

دخالت های قدرت های فرا منطقه ای از عواملی است که تاثیر بسیاری بر دولت های کوچک منطقه ای دارد و در ساختار این دولت ها نقش بازی کرده و باعث بالا رفتن تنش بین کشورهای منطقه می شود. در عامل اساسی، یکی از تمایلات توسعه طلبانه کشورها و دیگری موقعیت استراتژیک مناطق مورد مناقشه، نقش محوری را در ایجاد تنش های منطقه ای دارد و قدرت های فرا منطقه ای می توانند در این زمینه و حل آن نقش محوری داشته باشد. اما در بسیاری از موارد این دولت ها تنها منافع کشور خود را در نظیر دارند و بجای حل بحران، آتش اختلافات را بالا می برند. تا زمانی که این تنازعات و تنش ها حل نشود، خ ف امنیت پایدار از خود نخواهد دید.

یکی از عوامل ستیز از دوران های کهن در این منطقه و جوامع محلی، اختلافات مرزی و توسعه طلبانه دولت های قوی تر با حمایت قدرت های فرا منطقه ای نسبت به دولت های ضعیف می کند. در اروپا معاهده و ؟ و جنگ دوم جهانی هم تثبیت مرزها را به ارمغان نیاورد.

در خ ف وضعیت متفاوت تر است، این منطقه از زمان پیدایش کشورهای حاشیه جنوبی آن صحنه کشمکش و منازعات زیادی بوده است. کشورهای غربی خ ف بیش از کشورهای غربی منطقه اختلافات مرزی در بین دولت های منطقه دارد. تمامی کشورهای خ ف با یکدیگر اختلافات ارضی دارند تا آنجا که می توان گفت در هیچ نقطه ای از جهان مرزها به این شکل نیستند. (Mojtahedzadeh, 1999: 141)

چرخش سیاست ایالات متحده آسیا

با قدرت گرفتن چین در آسیا، جنبش های نو ظهور در خاورمیانه که در سال های گذشته حضور خود را با حمایت دولت های سلفی خاورمیانه اعلان کرده اند و اختلافات دیرینه بازیگران قدرتمند منطقه ای در خلیج فارس که در مجموع نظم نوین جهانی را هدف گرفته اند، ایالات متحده را که بعد از جنگ سرد با قدرت

نظامی، اقتصادی خود بدنبال هرمونی جهانی می‌باشد را به چالش کشیده اند. ایالات متحده گروه‌های و ویژه‌ای را در واشنگتن مامور بررسی این مسئله کرده که آیا راهبرد واشنگتن برای حضور در جهان با نگاه هژمونی جهانی با منابع محدود مالی و تهدیدهای متغیر و نو ظهوری که آمریکا با آن‌ها رو به رو است، سازگاری دارد یا خیر؟ نتیجه در شروع کار در سال ۲۰۱۲ م این بود که آسیا با محوریت چین و خاورمیانه‌محوریت خلیج فارس، باید الویت بندی راهبردی آمریکا کلان ندارد و نیاز چندانی هم اروپا برای تامین امنیت خود به آمریکا ندارد. (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۸)

به اعتقاد میر شایم، الویت مهم در سیاست خارجی ایالات متحده در قرن بیستم به ترتیب اروپا، آسیای شرقی و در نهایت خلیج فارس بود، اما با شروع قرن بیست و یکم این الویت تغییر کرده و آسیای شرقی، خلیج فارس و در نهایت اروپا برای آمریکا به الویت مهم تبدیل شده است. دلیل اینکه خلیج فارس به الویت دوم تبدیل شده است. افزایش قدرت چین (نظامی، اقتصادی) می‌باشد. (میرشایم، ۱۳۹۶: )

اوباما تصور می‌کرد، با تولید نفت و گاز در ایالات متحده و افزایش تولید، خاورمیانه اهمیت گذشته را نخواهد داشت، او اعتقاد دارد که در خلیج فارس ایران و عربستان میانه به یک صلح سرد دارند، دردکترین ابواما ما ذکر شده که آمریکا مسئول مدیریت خاورمیانه نیست و اصولاً قابلیت اصلاح و مدیریت از بیرون را ندارد. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۰۹)

اوباما بر چند جانبه گرایی در سطح جهانی معتقد بود و تمرکز بیشتر بر آسیا و عدم تمایل مستقیم در تمام مناطق جهان، تولید نفت و گاز در آمریکا رونق گرفت و خلیج فارس و خاورمیانه اهمیت پیشین خود را از دست داد (محمدزاده ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶)

تغییر راهبرد آمریکا که در هشت سال رهبری جورج بوش، و رونق اقتصاد بحرانی ایالات متحده در اولایل دوران اوباما، امریکائیان را امیدوار کرد(مطلبی و فلاح نژاد، ۱۳۹۳: ۱۶۹)

همکاری ها، تقابل ها و ترکیب قدرت اختلاف ها که توسط اوباما اجرا شد در خاورمیانه نقش تعیین کننده ای داشت و ژئوپلتیک جدید خاورمیانه را بنیان گذاشت. به زعم برخی از تحلیل گران، اگر آمریکا در برابر بهار عربی مواضع متفاوتی نشان می داد، شاید داعش، عراق و سوریه وضعیت متفاوتی داشتند. اوباما بیان می کرد، رقابت ژئوپلتیکی ایران و عربستان منطقه را با وضعیت نا مساعدی رو به رو کرده است. اوباما اظهار می کرد که دو طرف باید با همکاری و اجرای راهبردی در خلیج فارس که به نفع همه باشد، صلح سردی را میان خود در خلیج فارس برقرار کنند(سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۰۹)

خلا قدرت های بزرگ و واکنش قدرت های منطقه در خاورمیانه و خلیج فارس راهبرد ایالات متحده در دوره اوباما و لزوم واگذاری مدیریت خاورمیانه و خلیج فارس به خود کشورهای منطقه و حضور ایالات متحده در آسیای شرقی، بازیگران تاثیرگذار در منطقه همچون ترکیه، عربستان، ایران و اسرائیل تلاش می کنند، خلا قدرت ناشی از بی توجهی آمریکا در منطقه را در راستای منافع و امنیت ملی خودشان ترسیم کنند. اسرائیل در سال ۲۰۲۰ با انعقاد قراردادهایی با امارات و بحرین حضور خود در خلیج فارس را اعلان کرد. ترکیه هم با انعقاد در قراردادهایی با ایران و عراق و کشورهای عرب خلیج فارس که همیشه داشته است، خلیج فارس را و تحولات در این منطقه را بدقت زیر نظر دارد.

اما تمرکز تحقیق، پژوهش بیشتر بر روی رقابت آشکار و نهان دو کشور ایران و عربستان برای افزایش قدرت خود در خلیج فارس است. گسترش رقابت میان ایران و عربستان در منطقه ناشی از کم توجهی ایالات متحده به خلیج فارس با اینکه نیروهای واکنش سریع در بحرین و امارات این کشور حضور دارند، افزایش یافته و هر لحظه بر شدت و سرعت رقابت و تهدید متقابل دو کشور افزوده شده است. در یمن جنگ های نیابتی دو کشور کماکان ادامه دارد که در ادامه با توجه به شاخص های اصلی رئالیسم تهاجمی به بحث گذاشته می شود.

رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رئالیسم

تهاجمی / مولائیان

هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق آمریکا معتقد بود با خروج نظامیان آمریکا از افغانستان و کاهش نیروها در عراق، ایالات متحده باید راهبرد خود را در آسیای شرقی - پاسفیک متمرکز کند (Clinton, 2017: 1)

پس از خروج ایالات متحده از این مناطق و خلا قدرت بوجود آمده و ناتوانی این دولت ها، در عراق رشد کردند، پس از آن سوریه هم محل درگیری نیروهای افراطی شدند که علیه بشراسد می جنگیدند (کریمی فرد، ۱۳۹۴ : ۱۷۰)

اوباما در مورد لزوم دخالت آمریکا در این مناطق مخالف بود و سواری مجانی از قدرت آمریکا را نادرست می دانست، خلا قدرت آمریکا در این بحران ها روز به روز منطقه را بحرانی تر کرد و پای ایران، عربستان، روسیه و نیروهای افغانی را هم به این منطقه باز کرد (طارمی، ۱۳۹۵: ۱۴) اقدامات فوق، به ایجاد خلا قدرت در خاورمیانه منجر شد، زیرا روسیه که یک قدرت جهانی است (حتی پس از سقوط کونیسیم) در سال ۱۹۹۱، تنها از نیروی هوایی استفاده می کرد، که این تالیتیک های روسیه دردی را دوا نمی کرد. (unger, 2016: 5)

میر شایمر، اقدامات دولت ترامپ در خاورمیانه را به معنای اولویت خاورمیانه برای آمریکا نمی داند، بلکه معتقد است اقدامات آمریکا در منطقه ناشی از کنترل چین در منطقه است. (میرشایمر، ۱۳۹۶)

سیاست ترامپ هم در سطح بین الملل، توجه به شرق آسیا و در سطح خاورمیانه و خلیج فارس، افزایش قدرت عربستان و اسرائیل در مقابل ایران متمرکز شده بود.

به اعتقاد میرشایمر آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم تا اوایل سال ۱۹۷۰ م که بریتانیا از خلیج فارس خارج شد، منافع خود را از طریق این کشور دنبال می کرد.

در دهه ۷۰ م آمریکا به ایران روی آورد و دولت شاهنشاهی ایران را ژاندارم منطقه نامید و ایران تکیه گاه سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا شد. آمریکا به دنبال محدود سازی قدرت ایران و عراق در خلیج فارس بود، در نهایت از دوره ترامپ به بعد آمریکا به همراهی بیشتر با اسرائیل برای ایجاد ؟ نفوذ و مقابله با ایران در

منطقه است (همان، ۱۳۹۶) سیر تاریخ سیاست خارجی آمریکا در منطقه گویای افزایش بی اعتمادی و رقابت بیشتر کشورها در منطقه خواهد بود. ترکیه علاوه بر چتر دفاعی ناتو، از روسیه و چین نیز در حوزه نظامی استفاده می‌کند.

(Kasapoghu, 2017)

افزایش بی اعتمادی بازیگران در خاورمیانه

با توجه به آمار و ارقام خرید سلاح و افزایش توان نظامی کشورهای تاثیر گذار در منطقه، شاهد گسترش حس بی اعتمادی بین کشورهای تاثیرگذار در منطقه هستیم.

اعدام شیخ نمردر عربستان، راندن سفرای عربستان از ایران، قطع رابطه ایران و عربستان، حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در خلیج فارس است. با وجود شکاف های هویتی، قومی، فرقه‌ای بین تهران و ریاض، شاهد شکاف های سیاسی، اقتصادی، نظامی در روابط دو کشور هستیم. (مطهرنیا، ۱۳۹۴)

حمله به حوشی در یمن راهبرد جدید عربستان در تخریب مناسبات با ایران است اما کشورهای غربی از آن انتقاد کردند و آن را بازی با آتش دانستند. (همان، ۱۳۹۴) در زمینه اختلاف بین ایران و عربستان، از یک سو سخن از شیعه و سنی و جنگ در نیابتی از سوریه، بحرین، یمن و بعضی از مناطق دیده می‌شود. از سوی دیگر در موضوعات سیاسی، اقتصاد دو کشور مشکلات بسیار دارند (مطهرنیا، ۱۳۹۴). بی اعتمادی بین دو کشور در حال افزایش است و همکاری عربستان با اسرائیل کمکی به امنیت منطقه خلیج فارس نمی‌کند. (Nasseri, 2017)

تلاش کشورهای منطقه برای حفظ بقا خاورمیانه

بی اعتمادی ایران و عربستان در خلیج فارس و کشورهای خاورمیانه علیه یکدیگر، باعث ایجاد هرج و مرج در سطح منطقه شده است. در واقع این بی اعتمادی ریشه اش از خلا قدرتی است که عدم حضور آمریکا در منطقه ایجاد کرده است. تلاش ایران با توجه به توان و پتانسیل نظامی، اقتصادی، جمعیتی، سرزمینی در جهت تبدیل به قدرتی مسلط در منطقه، دیدگاه ها و اهداف سیاست خارجی خود را در جهت جلوگیری از نفوذ دشمنانش پیش می‌برد. گاهی این دشمنان واقعی اند که

از گذشته دور وجود داشته اند و گاهی می‌تواند راهی باشد در جهت و پیش برد اهداف داخلی خود. (درخسه، دیوسالار، ۱۳۹۰: ۹۹)

مهم ترین سلاح ایران و برگ برنده این کشور در خلیج فارس و منطقه، ژئوپلتیک شیعه است که از پاکستان تا لبنان سکونت دارند، شرایط امروز منطقه‌ای جهت پیش برد سیاست خارجی ایران از هر زمان دیگر مناسب تر شده است. (cetinsaya,2007:162-161)

عربستان، کشوری تاثیرگذار، مهم و تعیین کننده در تحولات خاورمیانه خلیج فارس است، ظرفیت های این کشور در جهان اسلام(مکه و مدینه) و دنیای عرب، جایگاه برتری را برای خود در اعراب و مسلمانان ایجاد کرده است، رویکرد نرم عربستان در عرصه سیاست خارجی، تبدیل به موضع بسیار سخت در برابر انقلابیون و جنبش های نو ظهور منطقه شده است که بر تحولات منطقه تاثیر گذارند، عراق و یمن از آن جمله اند(قناتی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۷)

ترکیه تلاش کرده پس از؟ تا دوره اباما با حمایت عرب به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار نشان دهد. هر چند سیاست داخلی ترکیه از سال ۲۰۰۶ به این سو موجب واگرایی آن از کشورهای غربی و آمریکا شده است.

رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر لزوما ایدئولوژیک و ارزشی نیست بلکه در کنار آن منافع ملی و امنیت ملی بخصوص میان ایران و عربستان باعث گسترش رقابت میان آن ها شده است. میرشایمر معتقد است، رقابت ایران با ترکیه و عربستان در خاورمیانه فقط ماهیت ایدئولوژیک ندارد. بلکه به منافع ملی ایران با ترکیه و عربستان و قدرت خود در منطقه مرتبط است، تغییر سیاستمداران در ایران تغییری در این راهبرد نخواهد داشت(میرشایمر و ۱۳۹۶)بازیگران تاثیر گذار در منطقه سعی می‌کنند با ائتلاف منطقه‌ای و برون منطقه‌ای نفوذ یکدیگر را کاهش دهند. (PncInns,2016)

ایران گسترش نا امنی در منطقه را متوجه عربستان می‌داند و عربستان را عامل اصلی خشونت ها در منطقه می‌داند و عربستان هلال شیعی را از طرف ایران عامل

نفوذ گسترده شیعیان در منطقه و خاورمیانه تا لبنان مسیراند (گاردین  
(Guadin,2017)

خاورمیانه در شرایط پیچیده امنیتی قرار دارد، که از عوامل مختلفی سرچشمه می‌گیرد. در کنار همه عوامل تاثیرگذار، خلاء قدرت بزرگ و تاثیرگذار جهانی، باعث افزایش واگرایی بیشتر کشورهای تاثیرگذار در منطقه شده است. چرخش سیاست آمریکا از خلیج فارس و خاورمیانه به آسیای شرقی و پاسفیک، خاورمیانه را به الویت دوم برای آن کشور تبدیل کرده است و روابط ایران و عربستان بیش از دیگر کشورها در منطقه تیره شده است، برای برون رفت از این شرایط، گسترش دیپلماسی منطقه‌ای و افزایش تعاملات را باید مورد توجه قرار دهند.

توسعه قابلیت‌های نظامی قدرت‌های تاثیرگذار در خاورمیانه با خلاء قدرت و گسترش وضعیت آنارشیک در خاورمیانه، هر یک از بازیگران تاثیرگذار در منطقه از جمله ایران و عربستان، ترکیه و اسرائیل به توسعه قابلیت‌های نظامی خود می‌پردازند. ترکیه در راهبرد نظامی سیاسی خود همیشه درصدد افزایش نقش خود در خلیج فارس بوده است. (Benhi,2008:50) ترکیه به عنوان یک کشور دموکرات و اسلامی در منطقه که همواره مدعی یک نمونه موفق در جهان اسلام است قابل تبیین است (Wendy,2010:37). در زمینه نظامی ترکیه به دنبال گسترش حضور نظامی بیشتر در خاورمیانه بخصوص عراق و سوریه است.

پیش بینی می‌شود ترکیه برای سال ۲۰۱۸ درصد زیادی از بودجه دفاعی کشور را در نظر بگیرد. (TRT Word,2017)

عربستان هم مدعی زعامت دینی و عرضه الگویی بر حکومت اسلامی و اسلام اصیل و خالص است. برای عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، شکل‌گیری هلال شیعی از طرف ایران نگران کننده است (برزگر، ۱۱۱:۱۳۷۸-۱۱۰)

در همین راستا طی یک دوره ۱۰ ساله، ۳۵۰ میلیارد دلار از آمریکا تسلیحات نظامی وارد می‌کند و در دوره ترامپ ۱۰۰ میلیارد دلار سلاح از آمریکا خریداری کرده است. (David. 2017)

عربستان علاوه بر آمریکا با روسیه هم سیستم دفاع هوایی اس ۴۰۰ امضا کرده است. (Hardy,2017)

رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رئالیسم  
تهاجمی / مولائیان

در مورد ایران، نقش و نفوذ ایران و مسائل سیاستی امنیتی منطقه، از جمله حضور فعال و سرنوشت ساز در مسائل عراق، لبنان و بطور کلی خاور نزدیک گردید. در اینجا هویت شیعی توانسته به عنوان یک مولفه قدرت ملی ایران، علاوه بر بهره‌گیری در اهداف کوتاه مدت در قالب روابط با گروه‌های سیاسی همگرا و در اهداف بلند مدت در قالب تقویت و تثبیت نقش منطقه‌ای و تاثیرگذاری بر مسائل سیاسی و امنیتی منطقه و در روابط با قدرت‌های بزرگ موثر واقع گردد. (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۲).  
ایران همانند عربستان درصد افزایش قدرت نظامی می‌باشد. (Gady, 2015)

نتیجه‌گیری :

در پایان نظر خودم را برای رسیدن به امنیت پایدار در خ ف با توجه به تشدید واگرایی بین ایران و اعراب منطقه خ ف حضور قدرت‌های خارجی در منطقه که از عوامل اصلی بحران می‌باشد را ذکر می‌کنم.

قدرت‌های غرب به خصوص ایالات متحده که از دهه ۱۹۷۰ میلادی به علت ضعف در ساختارهای دولت‌های کوچک و ضعیف خ ف در منطقه حضور دارند یکی از دلایل بروز تنش و تضاد دو منطقه است که با ریشه‌یابی آن به بریتانیا می‌شود رسید که پس از کشف نفت برای اینکه بهانه‌ای برای حضور در منطقه داشته باشد سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را در خ ف بین ایران و اعراب منطقه جاری کرده است.

با مطالعه خاطرات اسدالله علم وزیر دربار فقیه خرید پهلوی دوم می‌شود درباره مسئله حکومت بحرین در ایران و جزایر سه گانه و جایگزینی ایالات متحده با بریتانیا در سال ۱۹۶۸ میلادی و هجوم ارتش شاهنشاهی ایران به این جزایر بیشتر به این مسائل وارد شد.

دولت‌های خ ف تشکیل شده اند از کشورهای ایران، عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، قطر بحرین و عمان از ابتدای تشکیل دولت‌های کوچک به منطقه و عراق و عربستان بعد از جنگ جهانی اول شکست امپراتوری عثمانی با



دیدگاه‌ها و منافع متعارض در اجرای سیاست‌هایشان؛ ثبات امنیتی ژئوپلیتیک خف را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

قبل از هجوم ارتش ایالات متحده آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی و در دوره ریاست جمهوری بوش پسر، ژئوپلیتیک از مثلث سه کشور ایران، عربستان و عراق که سه قدرت منطقه تاثیر می‌پذیرفت اما پس از سقوط صدام حسین و مشکلات داخلی عراق، این کشور از این مثلث کنار گذاشته شده است.

اما عراق کشوری است که توانایی بازگشت به این مثلث را داراست.

وجود منابع عظیم انرژی و قرار داشتن این منطقه در مسیر انتقال انرژی؛ این منطقه را به یکی از مناطق ژئواستراتژیک جهان تبدیل کرده است. با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را برای تامین منافع شان امنیت منطقه و حفظ امنیت خف که از زمان انقلاب اسلامی ایران و جنگ ایران و عراق دستخوش ناامنی شده است را به سمت پایداری سوق دهند.

همه دولت‌ها در یک امر مشترک‌اند و دغدغه همه آنها حفظ منافع ملی کشورها ایشان است.

امنیت که لازمه منافع ملی و تأمین منافع لازمه دولت‌ها و بازیگران جهانی است.

آرامش و تعادل به عناصر ساختاری یک سیستم مربوط می‌شود و ناامنی و بی‌ثباتی امنیت زمانی حاصل می‌شود که در تعادل سیستم کلی پدید آید.

درگیری‌های تاریخی به ویژه از جنگ جهانی اول به این سو باعث شده تا دولت‌های خف، یث خود را در سایه گسترش تسلیحات نظامی و با حضور قدرت‌های منطقه‌ای جستجوکنند.

ساختار حاکم بر ژئوپلیتیک خف باعث شده تا هر یکی از دولت‌های منطقه فعالیت دیگر دولت‌ها را با سوءظن نگاه کنند و با دیده تردید و تهدید نظاره‌گر تحرکات یکدیگر باشند.

گروه‌های قومی و فرقه‌ای در سیاست‌های داخلی با دولت‌های خف، مشروعیت این دولت‌ها را زیر سوال می‌برند. از جمله شیعیان ایران و عرب خلیج فارس اهل

رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رئالیسم  
تهاجمی / مولائیان

تسنن، کوردها، اسماعیلیه، زیدیه، حنفی‌ها، شافعی‌ها و وهابی‌ها در خ ف حضور دارند.

همین امر در بی ثباتی امنیتی خط نقشه قابل توجهی دارند. همینطور مناقشات ارضی و مرزی قلمرو حاکمیت یک کشور را با بی ثباتی روبرو میکند. به طور مثال بحرین از ایران جدا شده و حاکمیت مستقل پیدا کرده است. قومیت‌های دو سوی مرز در طول زمان می‌تواند باعث بحران دو حاکمیت ایران و بحرین شود. دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای از عواملی است که تأثیر بسیاری بر دولت‌های کوچک منطقه‌ای دارد و با نقش در ساختار این دولت‌ها، منطقه را بالا می‌برد زیرا این دولت‌ها با حضور در منطقه تنها به فکر منافع خود می‌باشند.

دولت‌های عرب خ ف که خواستار حفظی وضع موجود هستند، حمایت ایران را از نهضت‌های آزادیبخش جهان را تهدیدی علیه دولت‌هایشان می‌دانند. عربستان در خ ف با ایالات متحده و اسرائیل رویکردی همکاری جویانه مبتنی بر تعامل را برگزیده و ما ایران تعارض را!!!

از اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران، استقرار یک جامعه اسلامی شیعی در راستای حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش می‌باشد که با نگرش اعراب با اسلام سیاسی اهل سنت و وهابیت بسیار متفاوت است که خواستار حفظ وضع موجود هستند.

این دو نگرش بالطبع مانع عمده‌ای در حفظ صلح و آرامش در یک منطقه ژئوپلیتیکی است اعراب اکثریت سنی با ایرانیان شیعه با مذهب انقلابی حضور دارند. رقابت ایدئولوژیکی نمی‌تواند مبتنی بر حاصل جمع مثبت باشد، رومن حاصل جمع صفر خواهد بود.

این امر به معنای تغییر در وضع موجود و موازنه قوا در خ ف خواهد بود که مورد پذیرش اعراب نخواهد بود.

اختلافات بنیادی ایران و عربستان سعودی در خف مانند هویت و مذهب که با دیپلماسی و گفتگو هم کاهش نیافته و اختلافات ایدئولوژیک و منطقه‌ای که رقابت تسلیحاتی در خف را به بار آورده در چارچوب رئالیسم تهاجمی منجر به معمای امنیتی شده و امنیت پایدار در خف را بی ثبات می‌کند.

برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران که از سوی ایالات متحده به شکل راسی در منطقه ارائه شده همگی می‌توانند در چارچوب رئالیسم تهاجمی قرار گیرد و حساسیت اعراب را اضافه کرده و ناامنی و تضاد را در منطقه افزایش دهد. ایران مخالف حضور نیروهای فرامنطقه‌ای است زیرا این حضور را مخالف منافع ملی خود می‌داند. ایران برقراری امنیت پایدار در خف را منوط به اجرای سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای می‌داند.

رقابت تسلیحاتی در خف را نباید از نظر دور داشت زیرا تحولات پیش آمده در این منطقه از سال ۱۹۷۹ میلادی با انقلاب اسلامی ایران و سپس جنگ ایران و عراق و تشکیل شورای همکاری خف که با سیاست‌های ایران تضاد داشت و همچنین بهار عربی، حمله عراق به کویت و پس از آن دو جنگ سال‌های ۱۹۹۱ میلادی و ۲۰۰۳ میلادی در این منطقه؛ همگی در چهارچوبه رئالیسم تهاجمی ریشه دارد.

اعراب خف با خریدهای کلان تسلیحاتی به خصوص عربستان سعودی که ایران را نه به عنوان دوست بلکه که این رقابت تنش‌های منطقه‌ای و ناپایداری امنیتی را باعث شده است.

اسلام وهابی عربستان در مقابل تاریخ باشکوه ایران قبل از اسلام به تعبیر محمد حنین هیکل، در خف به سوزن و رقابت‌های نظامی دو طرف در خف تبدیل به معمای امنیتی شده است.

فرضیه ارائه شده در این تحقیق هژمون شدن هر یک از دولت‌های ایران و عربستان در منطقه را پیش‌بینی و ارائه کرده است که امنیت منطقه با هژمونی یک کدام از این دو کشور در خف با ثبات خواهد شد.

به نظر گردآورنده رساله حضور اسرائیل در خف کی با عقد قراردادهایی با امارات و بحرین محقق شده و در آینده‌ای نزدیک این قراردادهای سیاسی اقتصادی

رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رئالیسم

تهاجمی / مولائیان

همه جانبه خواهد شد و حتی نظامی و امنیتی را هم در بر خواهد گرفت، باعث تاثیرگذاری بیشتر از غرب و ایالات متحده در منطقه خواهد داشت. حضور اسرائیل تنش های قومی مذهبی را با ایران افزایش می‌دهد و منطقه را بی ثبات تر می‌کند. دو کشور آمریکا و اسرائیل را می‌توان بازیگران بسیار موثر خارج از منطقه دانست و وجود مهمان ناخوانده اسرائیل آینده منطقه را به سمت نامعین و مبهمی سوق می‌دهد.

تجربه نشان داده است که حضور قدرت های فرامنطقه‌ای به خصوص ایالات متحده در ژئوپلیتیک خ ف نه تنها به نفع دولت های منطقه نیست، بلکه منطقه را با بحران های جدی امنیتی و ناپایداری روبرو خواهد کرد. مداخلات ایالات متحده از دهه ۷۰ میلادی که در گرماگرم جنگ ویتنام بود آغاز شد و به علت تعارض با افکار عمومی آمریکاییان که حضور نیروهای آمریکایی را خارج از مرزهای ایالات متحده تحمل می‌کردند از ارتش شاهنشاهی ایران استفاده کرده و ایران را جزیره ثبات و ژاندارم منطقه معرفی می‌کند.

خ ف در دهه هفتاد میلادی با اجرای این سیاست از امنیتی نسبی برخوردار بود. اما از سال ۲۰۲۰ میلادی حضور اسرائیل در منطقه با حمایت ایالات متحده صورت گرفته و با ایران انقلابی که از سال ۱۹۷۹ میلادی با جایگزینی جمهوری اسلامی ایران با سلسله پهلوی تضاد و تنش در زمینه‌های امنیتی، عمومی، مذهبی دارد و به دلیل حمایت ایران

از جنبش آزادیبخش فلسطین چالش های دو کشور تشکیل شده؛ حضور این کشور کنار مرزهای ایران می‌تواند منطقه را آستان حوادثی کند که کاملاً غیرقابل پیش بینی است. تامین یک سیستم امنیتی کارآمد که از طرف دولت های منطقه‌ای طرح و اجرا شود مورد حمایت ایران است. تامین امنیت پایدار در خ ف به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک به یک سیستم کارآمد امنیتی نیاز دارد که برخاسته از یک ضرورت و نیاز مشترک خواهد بود. تنها راه مقابله با تهدیدات و چالش های موجود

و نیز تامین امنیت و حفظ ثبات در منطقه استفاده از ساز و کاری است که در آن تمامی اعضای منطقه با مشارکت همه جانبه حضور داشته باشند. در راه ثبات و امنیت پایدار در خ ف، تلاش های بسیاری صورت گرفته است اما توازن قدرت در خ ف با شرایطی روبرو شده که هیچ کدام از دو کشور ایران و عربستان توازن به سمت رقیب را نمی پذیرد. حضور اسرائیل در منطقه که از حمایت ایالات متحده برخوردار است و به گونه ای نقش ایران در دهه ۷۰ میلادی را برای ایالات متحده دارد، توازن قدرت و هژمونی در خ ف را مبهم می کند و آینده ای نامعلوم را برای امنیت منطقه ترسیم می کند. به نظر نمی رسد که هژمونی ایران یا عربستان در خ ف، منطقه را به سمت پایداری و ثبات سوق دهد زیرا هژمونی در جهان یا یک منطقه ژئوپلیتیکی شرایطی را داراست و با وجودی که ایالات متحده در منطقه حضور دارد به نظر نمی رسد، ایران

یا عربستان شرایط هژمونی را در منطقه دارا باشند. اسرائیل با حمایت ایالات متحده در منطقه حضور دارد و قراردادی که با کشورهای امارات و بحرین منعقد کرد با حضور دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ میلادی بود. فرضیه که امنیت پایدار در خ ف را منوط به هژمون شدن ایران یا عربستان در نظر دارد؛ با بررسی هژمونی در ژئوپلیتیک خ ف می تواند قدرت هر یک از دو کشور و توانایی های نظامی و اقتصادی هر یک از دو کشور به عدم توانایی و حتی این فعال کشور مقابل تبدیل شود اما هژمونی شرایط دیگری را دارا است. باید در نظر داشت که ایران در دهه ۷۰ میلادی هژمون خ ف با توانایی خودش نبود اگر ایالات متحده حمایت خود را از ایران در آن دهه قطع می کرد، ایران به تنهایی توانایی هژمونی در خ ف را نداشت زیرا:

برای حجم منی در جهان یا یک منطقه، یک دولت باید به آن حد از توانایی برسد که از تمامی جوانب سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی را از دولت های منطقه ای (در اینجا خ ف) باشد.. دولتی که به این توانایی برسد تبدیل به یک قدرت طرفدار حفظ وضع موجود می شود که با سیاست های ایران در تضاد است و اما عربستان در خ ف توانایی اقتصادی برای هژمونی دارد و ما شرایط دیگر را دارا نمی باشد. اما اجرایی که با حمایت ایالات متحده می باشد،

را نباید از نظر دور داشت. دولت‌هایی که هژمون منطقه‌ای خود می‌شوند، سعی می‌کنند جلوی رشد قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای خود را بگیرند، به عبارت دیگر هژمون‌های منطقه‌ای تمایلی به داشتن رقبای همسنگ ندارند. هژمون‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند که حجم آن‌های در حال رشد مناطق دیگر را تحت نظر داشته باشند زیرا نگران‌اند که این قدرت‌های بزرگ و رقیب تبدیل به دشمن قدرتمند آنها گردند.

تنش ایران و آمریکا، نظم منطقه‌ای خف را تغییر داده که این تغییر بی‌ثباتی و تضاد در خف را باعث شده و با حضور دولتی مانند اسرائیل، زیرگوش جمهوری اسلامی ایران شرایط خوبی را در آینده برای منطقه و کشورمان به بار نخواهد آورد.

پس از خروج صدام حسین از عراق و همچنین عراق از مثلث‌های ایران و سودی در خف و رهبری ایالات متحده بر متفقین در جنگ سال ۱۹۹۱ میلادی، ایالات متحده تصمیم به ارائه نظم نوین جهانی به رهبری خودش که با طرح‌های نئوکان‌های آمریکایی صورت می‌گیرد شده است. آنها عموماً یهودی‌محافظه‌کار سنتی با ایده‌های ناسیونالیستی هستند که توجه به سیاست خارجی از اولویت‌های آنهاست.

آنها اقتصاد آزاد و لیبرال دموکراسی را ترویج می‌کنند. حکومت غیر اخلاقی نخبگان سکولاریسم و ملی‌گرایی ستیزه‌جویانه از اندیشه‌های آنهاست، که به تقسیم جهان به خیر و شر معتقد هستند.

فوکویاما، متفکر آمریکایی که تئوری پایان جهان را ارائه کرده؛ آمریکا را محق می‌داند که به دلیل قدرت اقتصادی و نظامی که دارد در جهان مسلط باشد. دیگر متفکران آمریکایی با فوکویاما هم‌داستان است و اعتقاد دارد که در یک جهان تک‌قطبی؛ تنها آمریکا است که می‌تواند بدون همکاری با دیگر کشورها مسائل بزرگ بین‌المللی را حل و فصل نماید. جرج بوش پسر در یک سخنرانی پس از ۱۱ سپتامبر گفت تاریخ‌فرستی استثنایی به ما داده تا از آزادی دفاع کنیم. کاندولیزا رایس؛ وزیر خارجه جورج بوش پسر گفت سیاست خارجی ما به طور قطع یک

سیاست خارجی مداخله گر و برخاسته از منافع ملی ماست. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، الگوی نظام جهانی دگرگون شد و جهان در دوران گذار استراتژیک قرار گرفت و نظم نوین جهانی از سوی آمریکا مطرح شد.

اشغال کویت فرصت لازم را در اختیار ایالات متحده قرار داد تا نظم نوین جهانی را فراهم کند و در نظام تک قطبی، ایالات متحده در راس هرم قرار گیرد. به عبارت دیگر قدرت هژمون ایالات متحده به تبعیت از اصول و قواعد این کشور ثبات جهانی را تضمین می کند.

آمریکا با تسلط بر فناوری پیشرفته قدرت نظامی قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی تصمیم هژمونی جهان دارد. باید از خود پرسید با حضور ایالات متحده در خف ایران یا عربستان توانایی هژمونی منطقه ای را دارند؟

به دلایلی که در رساله ذکر شده آمریکا در خف حضور دارد. این کشور بزرگترین وارد کننده و مصرف کننده نفت دنیا است. مداخله در قیمت گذاری نفت و نیز میزان عرضه نفت برای امنیت ملی آمریکا حائز اهمیت است. از آمریکا نمی پذیرد خف زیر نظر گروهی از دشمنان آمریکا در.

جیمی کارتر در دوران ریاست جمهوری خود اشاره کرده است که؛ نفت خف و جریان صد و آن برای منافع آمریکا حیاتی است و امنیت جریان نفت راحت تا با نیروی نظامی تهمینه خواهیم کرد. هم اکنون نیروی واکنش سریع دکترین کارتر برای پشتیبانی آن شکل گرفته است.

آمریکا به منظور ایجاد بسترهای سیاسی و اقتصادی همسو با منافع خود در خاورمیانه و در مسیر تثبیت هژمونی جهانی خود قرار دارد و طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح ساخته است تا در خف و خاورمیانه هژمونی خود نظم مورد نظر خود را پیاده کند.

از آنجا که در این طرح صلح ابراهیم که منظور تضمین امنیت اسرائیل است ارائه شده و در کشور امارات و بحرین با اسرائیل قرارداد سیاسی امضا کرده اند و اسرائیل را به شکل فیزیکی وارد خف کرده اند.

جایگاه ایران در خف در برابر عربستان سعودی قرار دارد و در دهه ۷۰ میلادی این دو کشور با حمایت ایالات متحده امنیت نسبی در این منطقه را برقرار کرده بودند.

اما هیچ کدام از دو کشور به شکل انفرادی توانایی هژمونی در دهه ۷۰ میلادی در این منطقه را دارا نبوده اند. آمریکا با طرح ایران‌هراسی در خ ف و طرح صلح ابراهیم که سلطه اعراب و اسرائیل است قدرت و اعتبار ایران را نشانه رفته است و به منظور وادار ساختن ایران به انعطاف در برابر سوریه خاورمیانه بزرگ و پذیرفتن هژمونی آمریکا و در دست گرفتن شرایط های حیاتی اقتصادی خ ف و جهان از سوی آمریکا است.

ایران در خاورمیانه چالش هایی را در اجرای موفقیت آمیز طرح خاورمیانه بزرگ و تثبیت هژمونی آمریکا ایجاد کرده که برای ایران هزینه های سیاسی و اقتصادی بسیاری را به همراه داشته است. منطقه اوراسیا پس از جنگ جهانی دوم برای آمریکا چالش برانگیز بوده و هژمونی آمریکا را به چالش کشیده است و در قرن بیست و یکم رقابت جهانی آمریکا عمدتاً در این منطقه مستقر شده اند. آمریکا به کارگیری طرح خاورمیانه بزرگ را برای تثبیت هژمونی خود به کار گرفته و در این طرح از اسرائیل می تواند به شکل ایران در دهه ۱۹۷۰ میلادی استفاده ابزاری و سیاسی کند. در نهایت می توان به اختصار گفت که ایران با توجه به قابلیت ها و جایگاه ژئوپلیتیکی خود، هژمونی آمریکا را به چالش می کشد و آمریکا با توجه به ابزار نیرومند خود در خونسازی چالش های ایران می کشد و این امر امنیت خ ف و کشورهای منطقه را با چالش مواجه می کند و برای این کشورها هزینه در بر خواهد داشت



## منابع

۱. المن، کالین (۱۳۹۳). «واقع گرایی». بینید در: نظریه روابط بین الملل برای سده بیست و یکم ویراسته، مارتین گرینینس، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۲. برزگر، کیهان (۱۳۸۷). «ایران، عراق جدید و نظام سیاسی، امنیتی خلیج فارس» تهران، معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی؛ دفتر گسترش تولید علم.
۳. برزگر، کیهان (۱۳۸۸). «منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران» مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۲، شماره ۵.
۴. پور احمدی حسین، منصوریان، اصغر (۱۳۹۳)، «تغییرات سیاست خارجی آمریکا و تحولات خاورمیانه». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۷. شماره ۴.
۵. جمشیدی، محمد (۱۳۹۴) تجدید توازن: استراتژی کلان ایالات متحده در دوره اوباما. پژوهشنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۳.
۶. چرخوف، فرد (۱۳۸۸). نظریه و زیر نظریه در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
۷. درخشه، جلال و دیوسالار، مجید (۱۳۹۰) «عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام گرایی برای عدالت و توسعه در ترکیه». فصلنامه شریضا به تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شرف، دوره ۳، شماره ۷.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸) سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایران. تهران: سمت
۹. سریع العلم، محمود (۱۳۹۵). «نظام بین الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه» پژوهشنامه علوم سیاسی سال دوازدهم، شماره اول.
۱۰. شیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). تحول در نظریه های روابط بین الملل تهران: سمت.
۱۱. طارمی، کامران (۱۳۹۵). «ارزیابی نتایج استراتژی نظامی منطقه ای آمریکا ی اوباما» فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. سال هفدهم، شماره ۷.
۱۲. قناتی، فریبا (۱۳۸۳) «دلایل همگرایی سیاست خارجی ترکیه و عربستان در عراق جدید (۲۰۰۳-۲۰۱۳)». همایش علمی مقاله خلیج فارس، دانشگاه تربت حیدریه، ایران، تربت حیدریه.
۱۳. کامل، روح الله (۱۳۸۳) «رنالیسم تهاجمی». ماهنامه نگاه سال ۴، شماره ۳۸.
۱۴. کبریایی زاده، حسین (۱۳۹۴). «جنگ سرد در خاورمیانه». قابل دسترس در سیاست ابرار معاصر تهران.

## رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس بر اساس رئالیسم

### تهاجمی / مولائیان

۱۵. کریمی فرد، حسین (۱۳۹۴) «بررسی و نقد سیاست خارجی اوپاما» فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه اسلامی واحد شریادوره ۷، شماره ۳۵.
۱۶. محمود زاده ابراهیمی، فرزاد ملکی. محمد رضا و امام جمعه زاده، سیدفواد (۱۳۹۵). «راهبرد خاورمیانه‌ای اوپاما؛ از واگذار مسئولیت تا همراهی محدود فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، دوره ۸، شماره ۳۸.
۱۷. مطلبی، مسعود و فلاح نژاد، علی (۱۳۹۲). «هویت های سیاست خارجی ایالات متحده بارک آمریکا و دولت اوپاما. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۵، شماره ۱۷.
۱۸. مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۴) «آینده روابط ایران و عربستان و نقش متغیر های دخیل». قال دسترس در سایت ابرار معاصر تهران.
۱۹. میرشایمر، جان (۱۳۹۶). «چشم انداز سیاست قدرت های بزرگ در قرن ۲۱م» سخنرانی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران، تهران.
۲۰. میرشایمر، جان (۱۳۹۶). «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»، «سخنرانی در موسسه مطالعات آمریکا و اروپا (۴)». ایران تهران.
۲۱. میرشمایر، جان (۱۳۹۳). «ترازوی قدرت های بزرگ. ترجمه غلامعلی چگینی زاده. تهران نشر وزارت امور خارجه.
۲۲. میرفخرایی (ش، سیدحسین (۱۳۸۶) «بحران استقرار سپر دفاع موشک آمریکا در اروپای پای شرقی، اهداف و پیامدها» مجله حقوق و سیاست سال ۹، شماره ۲۲.
23. Benli, Altunisik. (2008). "The Possibilities and Limits of Turkey's Soft Power in the Middle East". Insight Turkey, Vol.10 (2).
24. Cetinsaya, Gokhan. (2007). "Turkish- Iranian Relations since the Revolution". Turkish Review of Middle East Studies, Vol. 26 (2).
25. Clinton, Hillary. (2011). "America's Pacific Century". Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles>.
26. David, Javier E. (2017). "US-Saudi Arabia seal weapons deal worth nearly \$110 billion immediately, \$350 billion over 10 years". Available at: <https://www.cnn.com>.
27. Gady, Franz-Stefan. (2016). "Iran and Russia Negotiating \$10 Billion Arms Deal". available at: <https://thediplomat.com>.

28. Hardy, Catherine. (2017). "Saudi Arabia and Russia sign arms deal". available at: [www.euronews.com](http://www.euronews.com).
29. Kasapoglu, Can. (2017). "Why Turkey might Buy Russia's S-400 Defence System". Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/>.
30. McInnis, J. Matthew.(2016). "Can Saudi Arabia really 'share the neighborhood' with Iran?". available at: <http://nationalinterest.org/blog>.
31. Nasser, Ladan. (2017). "Rouhani Urges Saudi Arabia to Avoid Teaming Up With U.S. and Israel". available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles>.
32. the Guardian. (2017). "Iran's President says Saudi Arabia Behind Hostility in Region". available at: <https://www.theguardian.com>.
33. TRT World. (2017). "Turkey's Defence Budget Raised by Nearly 50 Percent". available at: [www.trtworld.com/turkey](http://www.trtworld.com/turkey).
34. Unger, David. (2016). "The Foreign Policy Legacy of Barack Obama". the International Spectator, Vol. 51(4).
35. Wendy, Kristiansen. (2010). "Turkey's Soft Power Successes". Le Monde Diplomatic, Vol.4 (7).

Abstract

This article is prepared and organized based on the security conditions of the Persian Gulf and providing solutions for stability and security in this sensitive international region. Stable security in this geo-strategic, geo-cultural and geo-political region of the world is of great importance due to the route of energy passage and estimation of more than 90% of fossil energies (in 2030). The geography of the Persian Gulf, which is separated from the Sea of Oman by the Strait of Hormuz, consists of the following countries: Iran, Iraq, Saudi Arabia, Kuwait, Bahrain, the United Arab Emirates, Oman and Qatar, which are important and vital for the world in terms of economy and fossil energy production. Is. Britain's withdrawal from this region and its replacement by the United States in 1970 has caused many ups and downs in this region of the Middle East. This year, the United States used the two countries of Iran and Saudi Arabia as two pillars of regional security to reduce the tension between the two countries and a barrier against communism in a plan called the Nixon-Kessinger Doctrine (two-pillar security).

Key words: national interests, conflict, regional balance, regional geography, Middle East transregional powers, aggressive realism, ideological, identity, conflict, Persian Gulf, Iran, Saudi Arabia, security